

## نقش بنگاه‌های زودبازده در افزایش تقاضای اشتغال (مطالعه موردی شهرستان اصفهان)

علی اصغر مهاجرانی<sup>۱</sup>

منصور حقیقتیان<sup>۲</sup>

تبسم فارسی مدان<sup>۳</sup>

### چکیده

بیکاری از پیچیده‌ترین مشکلاتی است که در زمان حاضر وجود دارد و علیرغم توجه مسئولان، ایران همواره با انبوهی از افراد جویای کار مواجه است. از آن جا که این امر مشکل اجتماعی و اقتصادی است و ممکن است در آینده به یک بحران تبدیل شود، برای برطرف کردن آن به یک برنامه‌ریزی درست و هماهنگ نیاز است. یکی از راه‌کارهای قابل توجه در چنین شرایطی، اتکا به بنگاه‌های اقتصادی است. در این مقاله سعی شده است به این سوال محوری پاسخ داده شود که سهم بنگاه‌های زودبازده در

---

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان [aliasghar.mohajerani@yahoo.com](mailto:aliasghar.mohajerani@yahoo.com)

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، [mansour\\_haghighatian@yahoo.com](mailto:mansour_haghighatian@yahoo.com)

۳. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان [farsimadan70@yahoo.com](mailto:farsimadan70@yahoo.com)

تقاضای نیروی کار چه قدر بوده است؟ بدین منظور ۹۷۶۸ بنگاه زودبازده در شهرستان اصفهان که در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ تاسیس شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

با توجه به این که نوع مطالعه کاربردی- توسعه‌ای است، روش تحقیق در دو سطح به صورت اسنادی و میدانی انجام گرفته است. با استفاده از این دو روش روند اشتغال در بنگاه‌های زودبازده، بررسی و پارامترهای آن با استفاده از تکنیک‌های اجتماعی برآورد شده است. نتایج به دست آمده در این مطالعه حاکی از این است که بنگاه‌های کوچک اقتصادی در شهرستان اصفهان، نتوانسته است در پاسخگویی به تقاضای نیروی کار موفق باشد.

**واژگان کلیدی:** بیکاری، تقاضای اشتغال، بنگاه‌های زودبازده، صنایع کوچک

### مقدمه و بیان مساله

امروزه آمارهای تکان دهنده بیکاری و خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها که به بازار کار سرازیر می‌گردند و عدم برنامه‌ریزی، جهت سامان‌دهی به این مشکل بزرگ که عوارض و مسائل عدیده آن بر کسی پوشیده نیست، باعث شد تا نقش بنگاه‌های زودبازده در افزایش تقاضای اشتغال در این مقاله مورد توجه قرار گیرد. با امید به این که سرآغازی باشد تا دست اندرکاران، اندیشمندان و مسئولین بتوانند حرکتی عظیم در رفع معضل بیکاری فراهم سازند.

لازم به ذکر است در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است و تلاش می‌شود تا از پتانسیل‌های این گروه از بنگاه‌ها برای تحقق اهداف کلان اقتصادی و رفع معضل بیکاری استفاده گردد. در ایران نیز از آغاز دولت نهم توجه ویژه‌ای به بنگاه‌های اقتصادی زودبازده شده است و بخش قابل توجهی از تسهیلات بانک‌ها را به حمایت از طرح‌های کوچک و زودبازده اقتصادی اختصاص داده است. کشورها و مناطق مختلف جهان تعاریف متعددی از بنگاه‌های کوچک اقتصادی با توجه به تعداد کارکنان، گردش مالی، ظرفیت تولید، تراز مالی یا استقلال

مالی بنگاه‌ها ارائه می‌دهند. امکان دستیابی سریع مدیران این بنگاه‌ها به اطلاعات و در نتیجه افزایش قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها، سهولت در عقد قرار دادها با مشتریان و سایر شرکت‌ها، سهولت در ارتباط بنگاه‌های کوچک با سایر مشاغل و کاهش وقفه زمانی موجود برای دسترسی به اطلاعات از جمله ویژگی‌های مورد توجه این بنگاه‌ها می‌باشد.

امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی کشور حل معضل بیکاری است که به دلایل ساختاری از جمله افزایش عرضه نیروی کار، کمبود سرمایه‌گذاری، مهاجرت روستائیان به شهرها، افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، جوانی جمعیت و... بازار کار کشور با عدم توازن مواجه شده است (گزارش جمهور، ۱۳۸۷: ۴۴). در حال حاضر بیکاری به معنای فقدان و یا نقصان فرصت‌های شغلی کافی و مناسب برای جمعیت جویای کار و عدم توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار و تبعات ناشی از آن یکی از معضلات اساسی کشور به شمار می‌آید (طالقانی، ۱۳۸۴: ۴).

نظر به اهمیت موضوع اشتغال به خصوص در شرایط حاضر که با جمع‌کثیری از افراد جویای کار مواجه هستیم، این مقاله در صدد بررسی نقش بنگاه‌های زودبازده در افزایش تقاضای اشتغال در شهرستان اصفهان می‌باشد.

بدون تردید کشورهای در حال توسعه نه تنها گرفتار کمبود اشتغال و سرمایه‌گذاری و عمومیت بیکاری‌اند، بلکه با کمبود تکنولوژی، پایین بودن سطح آموزش و مهارت، افزایش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت روستائیان به شهرها نیز دست به گریبان می‌باشند و هیچ‌یک از این مسائل نوید دورنمای مثبت و خوش‌بینانه‌ای برای ورود به عصر فرا صنعتی نمی‌دهند، قبل از هر چیز باید این نارسایی‌ها حل و فصل شود.

امروزه بنگاه‌های زودبازده در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان مهم‌ترین برنامه اجرایی برای دستیابی به توزیع عادلانه درآمد و ثروت، ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی محسوب شده و با فراهم کردن بستر مناسب برای کارآفرینی و نوآوری

عامل جذب و هدایت سرمایه‌ها در مسیر توسعه اقتصادی کشور به حساب می‌آیند. از این رو در این مطالعه سعی خواهد شد با بررسی وضعیت بنگاه‌های زودبازده در شهرستان اصفهان راهکارهای عملی در جهت اشتغالزایی بیشتر این بنگاه‌ها ارائه شود. در حال حاضر سرمایه‌گذاری در اکثر کشورهای دنیا به سمت بنگاه‌های زودبازده تمایل دارد لذا توجه به این بنگاه‌ها خصوصاً در کشور ایران حائز اهمیت است.

### مروری بر مطالعات پیشین

بی تردید، بسیاری از دانشمندان و اقتصاددانان برای گذار از دوران اقتصاد سنتی معیشتی و ورود به دوران تولیدات صنعتی، راهکارهایی را مبتنی بر امکانات موجود در کشورهای جهان سوم و عنایت به فرض "محدودیت منابع" در این دسته از کشورها ارائه داده‌اند.

در میان مطالعات و تئوری‌های ارائه شده یک وجه مشترک بین نظریه پردازان وجود دارد و آن تکیه بر صنایع و کارگاه‌های کوچک صنعتی است. بسیاری از این تئوری پردازان، صنایع کوچک را صرف نظر از مقصود فرایند تولید، محور توسعه و راه حلی برای معضل بیکاری می‌دانند. نمونه‌هایی از مطالعات داخلی و خارجی به شرح زیر می‌باشد:

برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ پروفیسور شوماخر<sup>۱</sup> (۱۳۷۲:۴). با ارائه نظریه "کوچک زیاست" به بیان لزوم استفاده از سرمایه‌های اندک در کشورهای جهان سوم و هدایت صاحبان این سرمایه، به سوی سرمایه‌گذاری‌ها با استفاده از تکنولوژی حد وسط پرداخت. پروفیسور "چاکرا داری الگرا اورال"<sup>۲</sup> دبیر کل سازمان جهانی صنایع کوچک و عضو اجرایی سازمان ملی توسعه صنایع کوچک و متوسط هندوستان، با ارائه نظریه "بومی سازی الگوهای توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه" تحقیقات گسترده‌ای

1. Shomakher  
2. Chakra Algra Ural

را در خصوص برنامه‌ریزی‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط انجام داده که حاصل این تحقیقات در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در ۱۳ جلد کتاب و ۵ گزارش تحقیقاتی در کشورهای مختلف منتشر شده است (وزارت صنایع، ۱۳۷۵: ۱۷۵). در کره جنوبی پروفیسور "یون - بای - او"<sup>۱</sup> مدیر گروه دانشکده مشاغل کوچک و متوسط و مسئول کمیته بازرگاری و تنظیم سیاستگذاری صنایع کوچک و متوسط کره جنوبی با ارایه نظریه "سازماندهی زنجیره‌ای توسعه" راهکارهای ساماندهی صنایع کوچک و زنجیره تولید را منتشر ساخته است (وزارت صنایع، ۱۳۷۶: ۱۷۴). از دیگر محققانی که در سال‌های اخیر به پژوهش در مورد صنایع کوچک پرداخته‌اند، پروفیسور "سابر اهابنابن" ناپخواندان<sup>۲</sup> از کشور هندوستان و دکتر "فرانس ویلهلم یمرمن"<sup>۳</sup> اتریشی می‌باشد که حاصل تحقیقات آنان به طور گسترده‌ای از طرف سازمان یونیدو و یو - ان - دی - پی<sup>۴</sup> و سازمان "آی. ال. او"<sup>۵</sup> منتشر شده است. دو دانشمند مذکور با معطوف داشتن توجه خود به تجارب صنایع کوچک در کشورهای آسیایی، اروپایی، به ارایه روش‌های کاربردی در مدیریت صنایع کوچک و چگونگی توسعه آن‌ها در مناطق کمتر توسعه‌یافته، پرداخته‌اند (شریف النبی، ۱۳۷۵: ۱۷۸-۱۷۷) دیوید اسمالین<sup>۶</sup> در مقاله‌ای با عنوان "مقایسه وضعیت اشتغال در بنگاه‌های کوچک در مقابل بنگاه‌های دیگر" به چگونگی تأثیر بنگاه‌های کوچک بر ایجاد اشتغال در بعد زمان و مکان می‌پردازد و عنوان می‌کند که با توجه به وضعیت بازار، نیروی کار محلی و رشد اشتغال در بنگاه‌های کوچک روستایی به نسبت بیشتر از بنگاه‌های کوچک شهری است. این نویسنده دلیل اصلی کاهش رشد اشتغال در دهه ۱۹۹۰ نسبت به ۱۹۸۰ را در تغییر روش تغییرات بخشی می‌داند و اعتقاد دارد، هر گونه متغیر خارجی که در هر زمان تولید را رشد دهد، اشتغال

1. Yon Bay O
2. Sabr Abhabnan
3. Frans Wilhelm
4. UNDP
5. ILO
6. David Smolin Bon

را هم رشد می‌دهد (شریف‌النبی، ۱۳۷۵: ۱۸). میستوری، هاباشی<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان "توسعه بنگاه‌های کوچک در اقتصاد اندونزی در سال ۲۰۰۴" به پیشرفت کارگاه‌های کوچک و متوسط در اندونزی طی سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۸۶ اشاره می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در ارزش افزوده نسبتاً کاهش یافته ولی در ایجاد اشتغال سهم بسزایی داشته‌اند. تجزیه و تحلیل مطالعه نشان می‌دهد که در شرایط یکسان و معین برای تولید یک واحد در بنگاه‌های کوچک و متوسط سرمایه کمتر و نیروی کار بیشتری نسبت به بنگاه‌های بزرگ مورد نیاز است.

در کشورهای مختلف نیز از جمله کشورهای شرق آسیا، حتی انگلستان، آمریکا، استرالیا، آرژانتین با توجه به اهمیت موضوع، مقاله‌هایی در این زمینه منتشر شده است.

در دوره ی برنامه چهارم عمرانی (۱۳۵۱-۱۳۴۷) برای اولین مرتبه در ایران "نقش صنایع کوچک در توسعه" مورد توجه قرار گرفت و کارشناسان سازمان برنامه در چارچوب سیاست‌های توسعه صنعتی کشور مطالعاتی در مورد صنایع کوچک به عمل آوردند، سپس وزارت اقتصاد، مطالعاتی در زمینه دسته بندی صنایع کوچک و تفکیک مرزهای بین صنایع کوچک صنعتی و مدرن انجام داد. بعد از انقلاب، مرتضی شریف‌النسب برای اولین مرتبه به شفاف نمودن وضعیت صنایع کوچک در ایران و مقایسه تطبیعی آن با الگوهای پیمانکاری جزء در کشورهای کره جنوبی، تایوان و هندوستان پرداخت و حاصل مطالعات خود را در دو جلد کتاب و چند مقاله منتشر نمود که از آن جمله می‌توان به "چرخه توسعه" و "نقش صنایع کوچک" در اقتصاد اشاره نمود. دکتر کامبیز طالبی در مجله تدبیر (۱۳۷۶)، احمد خزایی در کتاب منابع تولیدی و اشتغال صنعتی (۱۳۶۴) و رضا هدایی در پایان نامه دکتری خود (۱۳۴۹) از دیگر نویسندگانی هستند که با ارایه الگوهای ساختاری صنایع کوچک در کشورهای تازه صنعتی شده و کشورهای اروپایی بر اهمیت صنایع کوچک در فرآیند توسعه تاکید

1. Mistahiro Hayashi

ورزیده‌اند که حاصل مطالعات آنان به صورت مقاله در مجله‌های صادرات شماره‌های ۴۱ و ۴۷ و تازه‌های اقتصاد شماره ۶۶ منتشر شده‌اند. دکتر سید مهدی صحرائیان (۱۳۸۰) از دیگر نویسندگانی است که با نوشتن کتاب اقتصاد ایران، ساماندهی صنایع کوچک، به بررسی صنایع کوچک پرداخت و این بنگاه‌ها را یک عامل در توسعه اقتصادی شناخت و با ارایه الگوهای مورد نظر در کشورهای دیگر به ارزیابی این صنایع در کشور پرداخت. دکتر مسعود نیلی و همکاران (۱۳۸۲) در قالب طرح مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور، به موضوع صنایع کوچک و متوسط و نقش آن در توسعه صنعتی پرداخته‌اند. در این مطالعه پس از بررسی وضعیت این نوع صنایع و کشورهای دیگر و کشور ایران، ابتدا نقش صنایع کوچک و متوسط در تحقق استراتژی توسعه صنعتی کشور تعیین شده است و سپس به منظور تدوین راهبردها و سیاست‌های مناسب جهت تقویت صنایع کوچک و متوسط، تعریف و نقش این صنایع در فرایند توسعه ارایه شده و عوامل مؤثر بر توسعه آن‌ها نیز مشخص گردیده است. حسن تحصیلی (۱۳۷۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی نقش صنایع کوچک شهری استان خراسان در ایجاد اشتغال و توزیع درآمد پرداخته است. وی در این تحقیق اهمیت اشتغال و توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌نیافته را بررسی کرده و نقش صنایع کوچک را در دستیابی به این اهداف، مورد توجه قرار داده است. وی همچنین به اهداف اشتغال، توزیع درآمد و توزیع جغرافیایی جمعیت با توجه به شرایط و ویژگی‌های کشورهای توسعه‌نیافته پرداخته است و تحولات جمعیتی استان و مهاجرت و تحولات نیروی کار طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ را مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار داده است. در ادامه با بررسی عرضه و تقاضای نیروی کار این دهه تحولات ساختاری اشتغال و میزان اشتغال ایجاد شده در دو گروه صنایع کوچک و بزرگ شهری را بررسی نموده است. سازمان صنایع و معادن استان همدان (۱۳۷۶) با انجام تحقیقی با عنوان توسعه منطقه‌ای و صنایع کوچک و با نگاهی به منطقه بخش مرکزی شهرستان همدان به بررسی صنایع کوچک در اقتصاد ملی و منطقه‌ای در این استان پرداخته است. این

سازمان با توجه به محاسن و معایب صنایع کوچک پیشنهادی از طرف دولت، بهترین گونه‌های صنایع را که قابلیت اجرا در بخش مرکزی شهرستان همدان دارد معرفی و سیاست‌ها و چالش‌های پیش رو را شکافته است. حمیدرضا نبی زاده (۱۳۷۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان جایگاه صنایع کوچک در توسعه صنعتی، به بررسی سهم و جایگاه صنایع کوچک در فرآیند توسعه صنعتی کشور پرداخته است. این تحقیق با پرداختن به نظریات معطوف به صنایع کوچک در توسعه صنعتی به اهمیت و ضرورت این صنایع پرداخته است.

سازمان صنایع و معادن استان مرکزی (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای به بررسی جایگاه صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور پرداخته است. در این مطالعه به تعریف دقیق و مشخص از صنایع کوچک و متوسط در ایران و کشورهای دیگر اشاره شده است و در ادامه راهکارها و سیاست‌هایی که در این کشورها در جهت تقویت صنایع کوچک و متوسط به کار برده‌اند بررسی شده و یک مقایسه تطبیقی بین ایران و این کشورها انجام شده است. بی‌تردید بی‌کاری یکی از عواملی است که سبب نارضایتی مردم از دولت‌های می‌شود، به همین دلیل همواره این موضوع مورد توجه سیاستمداران و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. روایتی ابتدایی از ارزش کار را می‌توان در آثار سرویلیام پتی<sup>۱</sup> و کانتوین مشاهده کرد. کلاسیک‌ها نیز به نیروی کار به عنوان منبعی لایزال نگاه می‌کردند، به طوری که آدام اسمیت کشورهای فقیر و غنی را مولود طریقه ی نگرش افراد به نیروی کار دانسته است. اما آنچه کلاسیک‌ها از آن یاد می‌کنند بیکاری داوطلبانه و اختیاری است که خللی در مکانیسم‌های تعادلی و اشتغال کامل ایجاد می‌کند (رانسون، ۱۳۷۲: ۱۷۰)<sup>۲</sup>. برخی دیگر چون آرتو پیگو، بیکاری را امری موقتی ذکر می‌کنند. به اعتقاد پیگو<sup>۳</sup> بیکار کسی است که به دلیل انطباق با

---

1. Sir William Petty and Kantoin  
2. H. Ranson  
3. Artu Pigo

تغییرات یا اتخاذ دسته بندی برای انعقاد قراردادهای جمعی کار، بیکار مانده باشد. جان مینارد کینز<sup>۱</sup> برخلاف نظر استادش، بیکاری را نه اختیاری بلکه اجباری می‌داند. به اعتقاد کینز، عدم شفافیت بازارها منجر به اختلال در بازار کار می‌گردد، از سوی دیگر تعادل هیچگاه در اشتغال کامل رخ نمی‌دهد، چرا که تقاضای کامل اجتناب ناپذیر است (کینز، ۱۳۴۸: ۲) در برخی نظریات حتی ماهیت اشتغال زیر سؤال رفته است، آرتو لویس و راگنار نرکس<sup>۲</sup>، در اوایل دهه ۱۹۶۰ هر یک جدا گانه مطرح کردند که بیکاری پنهان به طور خاص در بخش کشاورزی وجود دارد، لذا تولید نهایی نیروی کار در این بخش نزدیک به صفر است (روز بهان، ۱۳۷۸: ۱۹۰). استمرار رشد اقتصادی منوط به سرمایه‌گذاری‌های مجدد از منابع سود حاصله از فعالیت صنایع کاربر می‌باشد. به این ترتیب، صنایع کاربر می‌تواند ضمن افزایش نرخ رشد اقتصادی مسئله بیکاری را بر طرف و بازدهی کارگران را به بالای صفر افزایش دهد (تودارو<sup>۳</sup>، ۱۳۷۸: ۳۸۴). به اعتقاد توریستن و بلن<sup>۴</sup>: "صنایع دستی در اثر تکامل ورود تکنولوژی به صنایع کوچک تبدیل شده و پس از آن مرحله تکاملی خود را طی نموده و به صنعت بزرگ ارتقاء می‌یابد" (تفضلی، ۱۳۵۵: ۲۰۲۰). جون رابینسون<sup>۵</sup> نیز استفاده از صنایع کوچک را برای ازمیان بردن تدریجی بیکاری پنهان پیشنهاد می‌کند. وی از چین به عنوان کشوری نام می‌برد که توانسته است با تمهیداتی در مورد صنایع کوچک روستایی، میزان بهره‌وری و اشتغال را افزایش دهد. (رابینسون<sup>۶</sup>، ۱۳۵۳: ۲۶) مایکل تودارو<sup>۷</sup> نیز شدیداً موافق گسترش صنایع در کشورهای جهان سوم است. به اعتقاد او، به طور کلی کشش درآمدی و قیمتی تقاضا برای کالاهای صنعتی بیشتر از محصولات کشاورزی است. به همین دلیل،

1. Keynes
2. Artur Lewis and Ragnar Nrks
3. Todaro
4. Turestian Veblen
5. Rabinson
6. Robinson
7. Maykel Tudwro

وجود صنعتی که بتواند حلقه‌های اتصال بین دو بخش صنعت و کشاورزی را بیشتر کند، احساس می‌شود (تودارو، ۱۳۷۸: ۵۹۶-۵۹۴). گونار میردال<sup>۱</sup> نیز اظهار می‌کند توسعه صنعتی و گسترش صنایع کوچک همراه با افزایش جمعیت فعال شاغل در حرفه‌های صنعتی، نمودی از رشد درآمد سرانه ملی است. میردال ادامه می‌دهد در کشورهایی مانند هندوستان و ژاپن که در آن‌ها نسبت افزایش جمعیت به منابع طبیعی و خصوصاً زمین زیاد است، توسعه صنایع ماشینی تنها امید برای افزایش قدرت تولید نیروی کار و بالا بردن سطح زندگی افراد است. لذا تنها راه عملی برای حل این معضل را توسعه صنایع کوچک ذکر کرد (میردال، ۱۹۵۶). از دیگر نظریه پردازان در این خصوص، ای، اف. شوماخر است، وی کمتر از دو دهه قبل عنوان کرد ناکارایی و رکود اقتصاد اروپا و آمریکا، دلیلی به جز بزرگ شدن ابعاد کارخانجات و خارج شدن کنترل مدیریت مدیران ندارد. به اعتقاد او ریزش قطره‌ای (کاهش تدریجی بازدهی کارگران به مرور زمان در صنایع بسیار بزرگ) در سالیان گذشته سبب شده است، ناکارایی صنایع بزرگ، طی سال‌های بعد محسوس نباشد، اما امروزه به نحو مؤثری ناکارآمدی خود را نشان می‌دهد. به همین جهت شوماخر اعتقاد دارد "همین که اندازه بزرگ ایجاد می‌شود، اغلب تلاش پیگیر و جدی برای ایجاد کوچکی در درون بزرگی صورت می‌پذیرد" (شوماخر، ۱۳۷۲: ۵۰).

از این رو، حرکت صنایع به سمت کوچک شدن، علاوه بر درون‌زا کردن دانش فنی تولید، می‌تواند جلوی افزایش ابعاد را به نحو چشم‌گیری بگیرد و مدیریت را غیر متمرکز کند. راهکار عملی که وی ارائه می‌دهد روی آوردن به صنایع کوچک است که ضمن ایجاد ارزش افزوده به کاهش نرخ بیکاری می‌انجامد.

شوماخر در تحلیل دیگر اظهار می‌کند، دلیل توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم، تأکید بیش از اندازه به صنایع بزرگ و عظیم است. اگر چه صنعتی شدن یک راه حل

1. Gunnar Mirdal

برای نجات این کشورها از مدارهای توسعه نیافتگی اما مثل این کشورها مثل فردی که کفش‌های بزرگ بر پای می‌کند و بعد از هر چند قدم کفش‌ها از پایش بیرون می‌آید. پس از این کشورها با حرکت به عقب در جهت ترمیم و تثبیت موقعیت خود می‌کوشند و این حرکت بارها تکرار می‌شود، لذا زمان بیشتری را از دست می‌دهند از این رو کنش‌های کوچکتر بهتر و زیباتر است. بیکاری گسترده در اشکال مختلف چه بیکاری آشکار و چه بیکاری پنهان از مهم‌ترین مشکلات ساختاری اقتصاد کشورهای کمتر توسعه‌یافته است که در دهه‌های اخیر، افکار دانشمندان علوم اقتصادی این کشورها و همچنین سازمان‌های بین‌المللی را نیز به خود مشغول داشته است و جملگی در پی یافتن راهکارهایی علمی و منطقی هستند.

در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، سه عامل رشد بی‌رویه جمعیت، نقصان تشکیل سرمایه انسانی و فقدان کارایی مکانیزم بازار که شدیداً بر دستیابی به اشتغال مطلوب و ایجاد تعادل بازار عرضه و تقاضای نیروی کار تأثیر گذار می‌باشد، از خصیصه‌های لاینفک مشترک ساختار بیمار اقتصاد کشورهای در حال توسعه است.

از دهه ۱۹۷۰ به بعد اغلب علمای جامعه برای رفع و فائق آمدن بر بحران بیکاری در جهان سوم، پیوسته بر گرایش به صنایع کوچک به عنوان عاملی اشتغال‌زا تأکید کرده‌اند. یونیدو ضمن اعلام تجربه شکست صنایع بزرگ در ایجاد اشتغال توصیه می‌کند که برای حل و فصل بیکاری در کشورهای در حال رشد، از توسعه صنایع کوچک و متوسط حمایت مالی به عمل آید.

در طول سه دهه اخیر، سیاست توسعه صنایع کوچک از دیدگاه اشتغال‌زایی در بسیاری از کشورهای روبه رشد دنبال شده است که به جز چند کشور از جمله هندوستان، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور و سایر کشورها در دستیابی به اشتغال‌زایی از طریق صنایع کوچک موفق نبوده‌اند و در همان کشورهای الگو نیز درجه‌ی موفقیت‌های به دست آمده نسبی و متفاوت است.

## نظریه پن روز<sup>۱</sup>

از میان نظریات ارایه شده در خصوص صنایع کوچک، تئوری پن روز که بیان می‌کند در شرایط شکوفایی اقتصادی فرصت‌های رشد برای صنایع کوچک ممکن‌الاحصول تراز توسعه صنایع بزرگ است، قابل تأمل است. بدین ترتیب صنایع بزرگ در مراحل ابتدایی بروز شرایط رشد عمومی و باز شدن افق‌های جدید توسعه و گسترش فعالیت‌های تولیدی و محدود بودن زمینه‌های توسعه و به سبب اقتصادی نبودن نسبی افزایش ظرفیت‌ها در برنامه‌ریزی‌های خود به این فرصت‌ها توجه کمتری داشته و ترجیح می‌دهند سرمایه خود را در افزایش تولیدات جاری خود صرف نمایند، تا اینکه آن را صرف سرمایه‌گذاری در تولیدات جدید که زمان ثمردهی آن طولانی بوده و هزینه‌های تبلیغات و بازاریابی سنگینی را نیز به آن‌ها تحمیل می‌کند، نمایند.

اگر چه نوآوری‌های زیادی در محصولات و فرآیند تولید با سرعت زیادی در حال وقوع است، ولی روش به کارگیری آن‌ها در صنایع بزرگ به سبب ساختار خاص این صنایع، با آرامش و طبق برنامه‌ریزی میان‌مدت و یا بلندمدت صورت می‌پذیرد. در واقع بنگاه‌های بزرگ بعضی از نوآوری‌ها را با توجه به شرایط بازار و استراتژی خود و قابلیت انعطاف ماشین‌آلات موجود به کار می‌گیرند و از بعضی دیگر صرف‌نظر می‌کند. شرط به کارگیری نوآوری به خصوص در فرآیند تولید، مستهلک شدن ماشین‌آلات موجود با فرصت‌های درآمدی بالا و با حفظ سهم خود از بازار است. برعکس در بنگاه‌های کوچک این نوع محدودیت‌ها وجود ندارد، زیرا آن‌ها با هزینه‌های عمومی کم و ظرفیت محدود ماشین‌آلات، انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و به کارگیری ماشین‌آلات جدید با فن‌آوری‌های پیشرفته، امکان رشد آن‌ها را ممکن می‌سازد، بنابراین بنگاه‌های بزرگ صنعتی به شکل سیستماتیک مجبورند از بسیاری از نوآوری‌های جدید و فرصت‌های تولید به نفع صنایع کوچک چشم‌پوشی کنند.

1. Pen Rose

مساله دیگر تنوع محصولات است، درست است که صنایع بزرگ تنوع محصولات را در سیاست‌های تولید خود لحاظ می‌کنند، ولی نیروی خود را صرف حفظ موقعیت خود در بازار و تقویت آن‌ها می‌نمایند. در حالیکه استراتژی تولیدکنندگان بزرگ، رقابت تنگاتنگ با رقبای دیگر و حفظ سهم خود از بازار است، صنایع کوچک به سادگی می‌توانند در زمینه تولیدات جدید به سرعت اقدام نمایند. تولیدات جدید که بنگاه‌های بزرگ به سبب پیروی از مناطق خاص رقابتی خود حداقل در مراحل اولیه از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنند. از طرف دیگر منطق حاکم بر بازار، صنایع بزرگ را مجبور می‌سازد تا هزینه‌های سنگین را برای نگهداری مراکز بزرگ تحقیق و توسعه، هزینه تبلیغات و بازاریابی و روابط عمومی متقبل شوند.

چیزی که در صنایع کوچک اولاً یا مطرح نیست و یا به شکل بسیار محدود مطرح است. صنایع بزرگ این هزینه‌ها را نهایتاً در قیمت محصولات خود سرشکن می‌کنند و این خود سبب بالا رفتن قیمت محصولاتی می‌شود که در شرایط مشابه به وسیله صنایع کوچک نیز تولید می‌شوند. در این شرایط تولید کنندگان بزرگ خود را در وضعیتی می‌یابند که قیمت بعضی از تولیدات‌شان بسیار بالاتر از محصولات مشابه صنایع کوچک است (نبی زاده، ۱۳۷۹: ۲۰-۱۸).

### نظریه میل به تمرکز زدایی در صنایع بزرگ

در یکی دو دهه اخیر میل به تمرکززدایی در کشورهای صنعتی و واحدهای بزرگ افزایش چشمگیری داشته است و صنایع بزرگ با شکلی از اشکال ترغیب به انتقال بخشی از فرایندهای تولیدی خود به بیرون شده‌اند. علل تمایل به این پدیده را می‌توان به قرار زیر ذکر نمود:

۱- ایجاد مانع در مقابل تمرکز بیش از حد کارگران در کارخانه

۲- داشتن کنترل بر نیروی کار

- ۳- انعطاف‌پذیری تکنیکی و ساختاری در صنایع بزرگ و تلاش در جهت آماده کردن تشکیلات در پذیرش تغییرات لازم
- ۴- محدودیت‌های قابل توجه در ظرفیت‌های مدیریتی و لزوم رشد ممکن این ظرفیت‌ها به توسعه بخش‌های دیگر صنایع بزرگ

### نظریه اکس و آدرش

در سال‌های اخیر وحدت بازارها و افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان، موجب تغییر در ساختار تقاضا گردیده است. از آنجا که صنایع بزرگ به سبب ساختار خاص خود، انعطاف لازم را در جوابگویی به تنوع طلبی مصرف‌کنندگان ندارند، زمینه رشد صنایع کوچک فراهم شده است. در نظریه اکس و آدرش موارد زیر مورد توجه قرار گرفته است:

- تمایل صنایع بزرگ در بازگشت به تخصص‌های اصلی خود و واگذاری بخش‌های دیگر تولیدی به صنایع کوچک و تأمین بخش قابل توجهی از نیازهای خود از طریق پیمانکاری.
- کاهش اطمینان از روند بازار و هزینه‌های بالای نگهداری بخش‌های تولیدی و ادغام‌های عمومی مرسوم تا اواسط دهه ۷۰ موجب بازگشت به تخصص‌های اصلی و جدا کردن بخش‌های دیگر از فرایند تولید در صنایع بزرگ و واگذاری آنها به صنایع کوچک شده است.
- نوآوری در تولید و فرایند: صنایع کوچک در نوآوری و تولید محصولات جدید و همچنین اعمال روش‌هایی جدید در فرایند تولید، که منتهی به پایین آمدن هزینه می‌گردد گوی سبقت را از صنایع بزرگ ربوده‌اند.
- نقش تکنولوژی جدید: فناوری‌های جدید با به کارگیری ماشین‌آلات مدرن و قدرت بالای تولید و چند منظوره بودن آنها (در تغییر سطح خط تولید) همراه با اتوماسیون،

نقش اساسی در ترغیب به کوچک شدن صنایع داشته‌اند، این بدان معنا است که ماهیت تکنولوژی جدید، کوچک‌گرا و نامتمرکز است.

### مدل توسعه و پیشرفت براساس نظام پیمانکاری

بعضی کشورها چون ژاپن و به تبع آن کره جنوبی و دیگر کشورها با توجه به عنایت خاص برنامه‌ریزان و امکانات اقتصادی نسبتاً محدود در زمان تدوین برنامه توسعه خود، ساختار تشکیلاتی- تولیدی خاصی را طراحی نموده‌اند که به پیمانکاری فرعی موسوم است. در این ساختار هر می‌شکل، قاعده متشکل از بنگاه‌های کوچک صنعتی است که درصد قابل توجهی از تولیدات خود را (از حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد) به سفارش تعداد کمتری از پیمانکاران بزرگ‌تر و متخصص در گروه‌های تولیدی که در میانه‌های هرم جای دارند اختصاص می‌دهند و باقی را مستقیماً به بازار ارایه می‌کنند. در این ساختار کل گرا هر چه به طرف رأس هرم نزدیک تر می‌شویم، تعداد صنایع کمتر شده و بزرگی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. این روش به دلایل متعدد کار بری بسیار خوبی از خود نشان داده است که می‌توان به بعضی از آن‌ها پرداخت:

۱- هر چه شرکت‌ها بزرگ‌تر می‌شوند، نیاز آن‌ها به ظرفیت‌های بالای مدیریتی بیشتر می‌شود و در بسیاری موارد، رشدهای بی‌رویه و سرطانی صنایع در ادغام مراحل مختلف فرایند تولید، باعث ناتوان کردن سیستم در اعمال کنترل از جنبه‌های گوناگون است.

بنابراین منطق حکم می‌کند بخش اعظم نیاز به تولیدات واسطه‌ای و نیمه‌ساخته را با استفاده از روش پیمانکاری و سفارش به صنایع کوچک تأمین نمایند. البته در این جا تعریف و تعیین استانداردهای مورد نظر و حتی کنترل فرایند تولید و کیفیت کالای واسطه‌ای توسط بنگاه‌های بزرگ اجتناب‌ناپذیر است.

۲- صنایع بزرگ با تخصیص بخش قابل توجهی از حجم تولیدات صنایع کوچک به خود و عقد قراردادهای میان‌مدت و با ایجاد تسهیلات در تأمین مواد اولیه و

کمک‌های دیگر، آنها را تبدیل به صنایع اقماری خود کرده و ضمن صرفه‌جویی قابل توجه در هزینه‌های مربوط به نیروی کار، قیمت تمام شده محصولات را به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش داده و به تبع آن قدرت رقابت خود را در صحنه‌های بین‌المللی افزایش می‌دهند.

۳- صنایع بزرگ به سبب در اختیار داشتن زیر مساحت‌های لازم، توانایی زیادی در بستن قراردادهای بزرگ و یا مدت‌دار دارند، در این صورت با فرض آگاهی از میزان ظرفیت‌های به کار گرفته نشده در صنایع کوچک، می‌توانند بخش قابل توجهی از نیاز مشتری را پس از پر شدن ظرفیت‌های خود تأمین نمایند.

### نظریه اشتغال‌زایی صنایع کوچک

از اواسط دهه ی ۱۹۶۰ نظریه پردازان اجتماعی و اقتصادی، در جهت دستیابی به یک راه حل مطلوب برای مقابله با بحران بیکاری در کشورهای کمتر رشد یافته، به عنوان یک عامل اشتغال‌زا توجه خود را به صنایع کوچک معطوف داشتند. از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، این نظریه در سطوح ارگان‌های تخصصی سازمان یافته مورد بحث و تأیید قرار گرفت.

با در پیش‌رو داشتن تجربه موفق کشور کوچک تایوان، سازمان یونیدو<sup>۱</sup> عملاً نقش متولی‌گری گسترش صنایع کوچک در کشورهای در حال توسعه را به عهده گرفت و حمایت از احداث واحدهای کوچک صنعتی در این دسته از کشورها را در ریزی‌های کلان در دستور کار خود قرار داد. طرفداران نظریه عامل اشتغال‌زایی صنایع کوچک، سهولت گسترش صنایع کوچک در کشورهای کمتر توسعه یافته را که عمدتاً با کمبود منابع مواجه بودند، در سه عامل زیر می‌دانستند:

1. United Nations Industrial Development Organization

۱- سرمایه اندک: چون ضریب سرمایه در واحدهای کوچک صنعتی پایین است، احداث این گونه واحدها به سرمایه کمتری نیاز دارند و بدین ترتیب می‌توان با جذب سرمایه‌های اندک موجود در جامعه واحدهای مزبور را ایجاد نمود.

۲- عدم نیاز به تخصص‌های بالا: به علت مکانیکی بودن ابزار و ماشین‌آلات واحدهای کوچک صنعتی، این گونه واحدها نیاز چندانی به نیروهای انسانی با تخصص‌های بالا ندارند. لذا صنایع کوچک قادرند نیروی انسانی نیمه ماهر بیشتری را جذب کرده و سطح اشتغال جمعیت فعال حتی جمعیت فاقد هر گونه مهارت را بالا ببرند.

۳- بازار ساده فروش محصولات: عمدتاً تولیدات واحدهای کوچک صنعتی را کالاهای مصرفی بی دوام تشکیل می‌دهند که به علت پایین بودن قیمت تمام شده تولید این گونه مصنوعات به سهولت در بازار به فروش رسیده که این خود موجب رشد سطح تولید در صنایع کوچک خواهد شد و قطعاً در پیامد این رشد، ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در این گونه واحدها اجتناب ناپذیر می‌گردد. در نتیجه در یک دوره برنامه‌ای میان مدت، سطح اشتغال در کشور افزایش یافته و همگام با گسترش کارگاه‌های کوچک صنعتی، شدت بیکاری در جامعه جهان سومی فروکش می‌کند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، پایه استدلال‌های نظریه‌پردازان عمل اشتغالزایی صنایع کوچک بر ارزش‌های کمی بنا نهاده شده است و به همین دلیل نیز در مرحله عمل و اجرا، این نظریه با شکست مواجه گردید. بدین دلیل که دو مسئله اساسی وابستگی این گونه صنایع به کالاهای واسطه‌ای وارداتی و همچنین تکنولوژی وارداتی، در تدوین تئوری‌ها نادیده گرفته شده‌اند.

در نتیجه سرنوشت صنایع کوچک احداث شده در کشورهای کمتر توسعه‌یافته بر پایه تئوری اشتغالزایی همراه با نوسانات قیمت‌های جهانی مواد خام (از جمله نفت) که منبع اصلی درآمدهای ارزی این گونه کشورها را تشکیل می‌دهند، در معرض تهدید قرار می‌گیرد (صحرائیان، ۱۳۸۰: ۲۲۹-۲۲۷).

## فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل است که: اولاً، سهم بنگاه‌های زودبازده در تقاضای نیروی کار چه قدر بوده است ثانیاً، تعداد شاغلین در بنگاه‌های کوچک اقتصادی تحت تاثیر چه عواملی قرار دارد؟ در ارتباط با سئوالات فوق، سئوالات فرعی‌تر دیگری نیز مطرح و پاسخ داده می‌شوند که عبارتند از: تعداد بنگاه‌های زودبازده از آغاز این برنامه چه تعداد بوده است؟ چه تعداد از بنگاه‌های زودبازده به مرحله فعالیت تولیدی رسیده‌اند؟ تعداد شاغلان این بنگاه‌ها چند نفر است؟ نوع فعالیت این بنگاه‌ها چیست؟ ظرفیت اشتغالزایی این بنگاه‌ها چند نفر است؟ مدت زمان بهره‌دهی از زمان تأسیس تا تولید چه قدر است؟ در راستای پاسخگویی به سئوالات فوق، فرضیات زیر مطرح و مورد آزمون قرار گرفته است:

فرضیه اول: بین تعداد شاغلان و فعالیت بنگاه‌ها رابطه وجود دارد.  
فرضیه دوم: بین تعداد شاغلان و تکنولوژی به کار گرفته شده رابطه وجود دارد.  
فرضیه سوم: بین تعداد شاغلان و سطح سواد صاحبان بنگاه‌ها رابطه وجود دارد.  
فرضیه چهارم: بین تعداد شاغلان و میزان وام دریافتی توسط بنگاه‌ها رابطه وجود دارد.  
فرضیه پنجم: بین تعداد شاغلان و میزان کمک نهادهای دولتی به بنگاه‌ها رابطه وجود دارد.

## روش پژوهش

در تحقیق حاضر با توجه به اینکه هدف ما بررسی تأثیر بنگاه‌های زودبازده در ایجاد تقاضای اشتغال در سطح شهرستان اصفهان بوده است، از روش میدانی و از تکنیک مصاحبه ساختمند استفاده نموده‌ایم، و از آن جا که نوع مطالعه ما کاربردی - توسعه‌ای است، روش تحقیق در دو سطح به صورت اسنادی و میدانی انجام گرفته است که با

استفاده از این دو روش روند اشتغال در بنگاه‌های زودبازده بررسی و پارامترهای آن با استفاده از تکنیک‌های اجتماعی برآورد شده است.

### جمعیت، نمونه و روش نمونه‌گیری

برای انتخاب نمونه آماری در این تحقیق از روش نمونه‌های تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شده است، در نمونه برداری تصادفی چند مرحله‌ای، در اصل ترکیبی از چند روش به کار برده می‌شود. مثلاً ابتدا تعدادی سطح، براساس روش خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند در مرحله دوم از میان این سطوح، آن دسته از واحدهایی که مورد بررسی نهایی قرار خواهند گرفت براساس روش نمونه برداری تصادفی ساده انتخاب می‌شوند، برای مثال: هدف ما در این تحقیق، مصاحبه با صاحبان بنگاه‌های زودبازده بود، به همین خاطر یکایک بنگاه‌ها را به عنوان خوشه در نظر گرفته و شماره‌گذاری شد. براساس جدول ارقام تصادفی، تعدادی از بنگاه‌ها انتخاب شدند حال براساس یک انتخاب تصادفی دیگر (مثلاً بر مبنای لیست آدرس‌ها) از بین بنگاه‌های مورد نظر تعداد صاحبان بنگاه‌های که به طور مؤثر باید پرسش می‌شدند انتخاب گردیدند. در پژوهش حاضر برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز از فرمول کوکران استفاده شده که حجم نمونه با توجه به نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی و براساس استفاده از فرمول کوکران، ۳۷۰ بنگاه زودبازده در شهرستان اصفهان است که حدود ۳۸۰ پرسشنامه بین بنگاه‌های زودبازده در شهرستان اصفهان توزیع گردید و ۳۶۶ پرسشنامه بدون نقص جمع آوری شد. براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه با اطمینان ۹۵/۵ درصد و فرض حداکثر واریانس ( $p = ۰/۵$  و  $q = ۰/۵$ ) و  $N = ۹۷۶۸$  برابر است با:

$$n = \frac{t^2 \times pq}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 \times pq}{d^2} - 1 \right)} = 370$$

فرمول حجم نمونه (کوکران)

$$n = \frac{1.96^2 \times \frac{0.5 \times 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{9768} \left( \frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} - 1 \right)} = 370$$

### ابزار گرد آوری داده‌ها و روش تحلیل اطلاعات

با توجه به ماهیت موضوع و روش تحقیق برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد که اکثر سوالات آن در قالب طیف لیکرت پنج قسمتی طراحی شده بود. پس از جمع آوری داده‌ها از نرم افزار کامپوتری SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است و به منظور تعیین اعتبار و روایی تحقیق اعتبار صوری در نظر گرفته شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه از فرمول آلفای کرونباخ استفاده گردید که در این آزمون آلفای ۱۵ سؤال پرسشنامه ۰/۷۱۹ بوده است.

داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شده‌اند. در سطح توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی از آزمون  $X^2$  استفاده شده است. لازم به ذکر است در این تحقیق پنج فرضیه مطرح شد که نتایج تجزیه و تحلیل این فرضیه‌ها در جدول شماره ۶ قابل ملاحظه است.

### یافته‌های توصیفی

تحقیق حاضر به منظور بررسی نقش بنگاه‌های زودبازده در افزایش تقاضای اشتغال صورت گرفته است. به همین منظور یک نمونه ۳۶۶ نفری از صاحبان بنگاه‌ها انتخاب گردید و پرسشنامه تحقیق بر روی آنها اجرا گردید و داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که در زیر به نتایج و بحث در باره آنها پرداخته شده است. نتایج توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تحقیق نشان داد که ۱۹/۷ درصد پاسخگویان شرکت کننده در تحقیق زیر ۳۰ سال، ۳۴/۷ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۳۲/۲ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۱۳/۴ درصد ۵۰ سال به بالا داشته‌اند. کمترین سن ۲۲ سال و بیشترین سن ۶۲ سال است. میانگین سن پاسخگویان ۴۰/۳۵ سال و انحراف معیار ۸/۹۰ سال است. ۸۶/۱ درصد پاسخگویان شرکت کننده در تحقیق مرد و ۱۳/۹ درصد زن بودند. ۱/۱ درصد

پاسخگویان شرکت کننده در تحقیق مجرد و ۹۸/۹ درصد متاهل بودند. ۱۱/۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۵/۳ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۳۹/۳ درصد دارای تحصیلات دبیرستان تا دیپلم، ۲۳ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم تا لیسانس و ۱۰/۹ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بودند. ۲۰/۵ درصد صاحبان بنگاه‌های زودبازده شرکت کننده در تحقیق در مشاغل اداری و دفتری، ۱۳/۹ درصد در مشاغل صنعتی، ۴۷/۳ درصد در مشاغل خدماتی، ۱۷/۸ درصد در مشاغل کشاورزی و ۰/۵ درصد در سایر مشاغل فعالیت می‌کنند. نتایج توصیفی متغیرهای تحقیق نشان داد که ۵۹/۸ درصد صاحبان بنگاه‌های زودبازده شرکت کننده در تحقیق در فعالیت‌های خدماتی، ۱۵/۶ درصد در فعالیت‌های صنعتی، ۱۸ درصد در فعالیت‌های کشاورزی و ۶/۶ درصد در فعالیت‌های علم و فناوری اشتغال دارند. ۳۲/۵ درصد بنگاه‌های زودبازده شرکت کننده در تحقیق در سال ۱۳۸۴، ۱۹/۴ درصد در سال ۱۳۸۵، ۳۳/۳ درصد در سال ۱۳۸۶ و ۱۰/۱ درصد در سال ۱۳۸۷ تاسیس شده‌اند. حدود ۹۵ درصد بنگاه‌ها بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ تاسیس شده‌اند ظرفیت فعالیت ۷/۹ درصد بنگاه‌های زودبازده شرکت کننده در تحقیق جزئی (کمتر از ۵۰ درصد)، ۸۶/۳ درصد نیمه کامل (۵۰ تا ۹۹ درصد) و ۵/۷ درصد کامل (۱۰۰ درصد) می‌باشد. مدت زمان رسیدن به بهره‌وری و نقطه آغاز تا تولید ۲۱/۶ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق یک سال، ۴۱ درصد دو سال، ۲۵/۷ درصد سه سال، ۹/۳ درصد چهار سال و ۲/۲ درصد بیش از چهار سال بوده است.

تعداد نیروی شاغل به کار گرفته شده توسط بنگاه‌ها ۱۶/۷ درصد یک نفر، ۴۰/۲ درصد دو نفر، ۱۶/۱ درصد سه نفر، ۱۴/۵ درصد چهار نفر، ۴/۱ درصد پنج نفر، ۵/۲ درصد شش نفر، ۱/۱ درصد هفت نفر، ۱/۱ درصد هشت نفر و ۰/۳ درصد نه نفر می‌باشند. ۴/۴ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم نیازهای جامعه را بر طرف می‌سازند، ۱/۴ درصد کم، ۱۷/۲ درصد متوسط، ۴۴ درصد زیاد و ۳۳/۱ درصد خیلی زیاد نیازهای جامعه را بر طرف می‌سازند. ظرفیت نهایی بنگاه‌های زودبازده شرکت

کننده در تحقیق ۴/۴ درصد یک نفر، ۲۹/۸ درصد دو نفر، ۱۹/۹ درصد سه نفر، ۱۵/۶ درصد چهار نفر، ۸/۲ درصد پنج نفر، ۱۳/۱ درصد شش نفر، ۲/۷ درصد هفت نفر، ۱/۶ درصد هشت نفر، ۰/۸ درصد نه نفر، ۲/۵ درصد ده نفر، ۰/۳ درصد یازده نفر و ۰/۳ درصد دوازده نفر می‌باشد.

۲/۷ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق دارای تکنولوژی سطح پایین، ۲۲/۴ درصد تکنولوژی معمولی، ۶۲/۸ درصد تکنولوژی نسبتاً پیشرفته، ۹ درصد تکنولوژی پیشرفته و ۳ درصد تکنولوژی کاملاً پیشرفته دارند. ۹۶/۲ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق دارای تکنولوژی کاربر و ۳/۸ درصد دارای تکنولوژی سرمایه‌بر می‌باشند. وام دریافتی ۵/۷ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق از بانک‌ها جهت راه‌اندازی و توسعه بنگاه جهت برطرف ساختن نیازها خیلی کم، ۲۷ درصد کم، ۵۲/۲ درصد متوسط، ۱۳/۷ درصد زیاد و ۱/۴ درصد خیلی زیاد می‌باشد. سرمایه ۷/۷ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق کمتر از ۱۰ درصد، ۷۱/۶ درصد بین ۱۰ تا ۳۰ درصد، ۱۸/۳ درصد بین ۳۰ تا ۷۰ درصد و ۲/۵ درصد بیشتر از ۷۰ درصد براساس وام دریافتی است. در بازار ۱/۶ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۳ درصد کم، ۲۷/۹ درصد متوسط، ۴۲/۹ درصد زیاد و ۲۴/۶ درصد خیلی زیاد خریدار یا خروجی دارد.

۸/۷ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۳۸/۳ درصد کم، ۳۶/۹ درصد متوسط، ۱۳/۱ درصد زیاد و ۳ درصد خیلی زیاد در رسیدن به اهداف موفق بوده‌اند. ۳۴/۷ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۴۶/۴ درصد کم، ۱۶/۹ درصد متوسط، ۱/۴ درصد زیاد و ۰/۵ درصد خیلی زیاد از یاری و حمایت نهادهای دولتی جهت موفقیت بیشتر برخوردار بوده‌اند. ۳۲ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۴۶/۷ درصد کم، ۱۹/۱ درصد متوسط، ۰/۸ درصد زیاد و ۱/۴ درصد خیلی زیاد تعامل نهادهای ذیربط را اثر بخش و کمک کننده ارزیابی کرده‌اند. ۶ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۸/۷ درصد کم، ۲۴/۳ درصد

متوسط، ۳۹/۹ درصد زیاد و ۲۱ درصد خیلی زیاد تعامل بخش خصوصی با بنگاه در جهت فعالیت را اثربخش ارزیابی کرده‌اند. ۴۳/۲ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق کمتر از ۱۰ درصد، ۴۱/۸ درصد بین ۱۰ تا ۳۰ درصد، ۶/۳ درصد بین ۳۰ تا ۷۰ درصد و ۸/۷ درصد بیشتر از ۷۰ درصد در بنگاه خود نیروی کار خویشاوند دارند.

۲/۵ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۳ درصد کم، ۳/۸ درصد متوسط، ۲۳ درصد زیاد و ۶۷/۸ درصد خیلی زیاد هزینه تحمیل شده به‌نظائر نوسانات اقتصادی داشته‌اند. ۱۷/۸ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق کمتر از ۱۰ درصد، ۶۲/۸ درصد بین ۱۰ تا ۳۰ درصد، ۷/۹ درصد بین ۳۰ تا ۷۰ درصد و ۱۱/۵ درصد بیشتر از ۷۰ درصد نیروی کار به کار گرفته شده بیکار بوده‌اند. ۰/۸ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۰/۸ درصد کم، ۱۹/۹ درصد متوسط، ۴۵/۵ درصد زیاد و ۳۳/۹ درصد خیلی زیاد از نیروی کار به کار گرفته شده رضایت دارند. ۱۵/۳ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۴۲/۳ درصد کم، ۳۵/۸ درصد متوسط، ۴/۹ درصد زیاد و ۱/۶ درصد خیلی زیاد به سایر کارآفرینان تاسیس بنگاه زودبازده را توصیه می‌کنند. ۳ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۳۳/۱ درصد کم، ۴۷/۸ درصد متوسط، ۱۴/۲ درصد زیاد و ۱/۹ درصد خیلی زیاد احتمال ادامه و تکمیل طرح بنگاه زودبازده را موفق می‌دانند.

۸/۲ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق خیلی کم، ۳۱/۴ درصد کم، ۵۰/۵ درصد متوسط، ۶ درصد زیاد و ۳/۸ درصد خیلی زیاد احتمال تعطیلی و یا تغییر نوع فعالیت بنگاه را داده‌اند. ۳۶/۱ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق موفقیت بنگاه را خیلی کم، ۳۵/۵ درصد کم، ۲۳/۵ درصد متوسط، ۴/۶ درصد زیاد و ۰/۳ درصد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. ۴۱/۳ درصد بنگاه‌های شرکت کننده در تحقیق کمتر از ۱۰ درصد، ۴۴ درصد بین ۱۰ تا ۳۰ درصد، ۱۱/۷ درصد بین ۳۰ تا ۷۰ درصد و ۳ درصد بیشتر از ۷۰ درصد احتمال توسعه و گسترش بنگاه در آینده را دارند. نتایج تحقیق نشان داد که تعداد شاغلین در بخش خدماتی (۲۱۹ نفر) بیشتر از سایر فعالیت‌ها و سپس تعداد

شاغلین در بخش کشاورزی (۵۷ نفر) بیشتر از بخش‌های صنعتی و علم و فناوری است و تعداد شاغلین بخش صنعتی (۶۶ نفر) بیشتر از بخش علم و فناوری (۲۴ نفر) می‌باشد. تعداد شاغلین با تکنولوژی نسبتاً پیشرفته (۲۳۰ نفر) بیشتر از سایر تکنولوژی‌ها و سپس تعداد شاغلین در تکنولوژی معمولی (۸۲ نفر) بیشتر از تکنولوژی پیشرفته و بسیار پیشرفته است و تعداد شاغلین در تکنولوژی پیشرفته (۳۳ نفر) بیشتر از تکنولوژی کاملاً پیشرفته (۱۱ نفر) می‌باشد و تعداد شاغلین در تکنولوژی سطح پایین (۱۰) از سایر تکنولوژی‌ها کمتر است. بیشتر تعداد شاغلین در تکنولوژی معمولی، نسبتاً پیشرفته و پیشرفته می‌باشد. تعداد شاغلین بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات دبیرستان تا دیپلم (۱۴۴ نفر) بیشتر از همه و سپس تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس (۸۴ نفر) بیشترین و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات راهنمایی (۵۶ نفر) در مرتبه سوم و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر (۴۲ نفر) در مرتبه چهارم و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات ابتدایی (۴۰ نفر) در مرتبه پنجم قرار دارد. صاحبان بنگاه‌های دارای تحصیلات متفاوت اکثراً بین یک تا چهار نفر را به کار گرفته‌اند. تعداد شاغلین بنگاه‌هایی که میزان وام متوسطی دریافت کرده‌اند (۱۹۱ نفر) در مرتبه اول و سپس تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که میزان وام کم دریافت کرده‌اند (۹۹ نفر) در مرتبه دوم و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که میزان وام زیاد دریافت کرده‌اند (۵۰ نفر) در مرتبه سوم و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که میزان وام خیلی کم دریافت کرده‌اند (۲۱ نفر) در مرتبه چهارم و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که میزان وام خیلی زیاد دریافت کرده‌اند (۵ نفر) در مرتبه پنجم قرار دارد. صاحبان بنگاه‌هایی که وام کم، متوسط و زیاد دریافت کرده‌اند اکثراً بین یک تا چهار نفر را به کار گرفته‌اند. تعداد شاغلین بنگاه‌هایی که میزان کمک کمی دریافت کرده‌اند (۱۷۰ نفر) در مرتبه اول و سپس تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که میزان کمک خیلی کم دریافت کرده‌اند (۱۲۷ نفر) در مرتبه دوم و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که میزان کمک متوسط دریافت کرده‌اند (۶۲ نفر) در مرتبه سوم و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که میزان وام

## نقش بنگاه‌های زودبازده در افزایش تقاضای اشتغال (مطالعه موردی شهرستان اصفهان)

زیاد دریافت کرده‌اند (۵ نفر) در مرتبه چهارم و تعداد شاغلین در بنگاه‌هایی که میزان وام خیلی زیاد دریافت کرده‌اند (۲ نفر) در مرتبه پنجم قرار دارد. صاحبان بنگاه‌هایی که کمک خیلی کم، کم و متوسط دریافت کرده‌اند اکثرا بین یک تا پنج نفر را به کار گرفته‌اند.

جدول (۱) آماره‌های توصیفی سوالات مربوط به بنگاه‌های زودبازده

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد	سوالات
۰/۹۷۶	۴	۵	۱	۳۶۶	۱۲- میزان برطرف ساختن نیاز جامعه توسط فعالیت بنگاه اقتصادی
۰/۸۰۳	۲/۷۸	۵	۱	۳۶۶	۱۵- میزان وام دریافتی از بانک جهت راه‌اندازی و توسعه بنگاه
۰/۸۸	۳/۸۶	۵	۱	۳۶۶	۱۷- میزان خرید محصولات تولیدی و یا خروجی بنگاه
۰/۹۲۳	۲/۶۳	۵	۱	۳۶۶	۱۸- موفقیت بنگاه در رسیدن به اهداف اولیه
۰/۷۷۷	۱/۸۷	۵	۱	۳۶۶	۱۹- کمک نهادهای دولتی در جهت موفقیت بیشتر
۰/۸۱۵	۱/۹۳	۵	۱	۳۶۶	۲۰- اثر بخشی و کمک کننده بودن تعامل نهادهای زیربند در جهت فعالیت بنگاه
۱/۰۹۴	۳/۶۱	۵	۱	۳۶۶	۲۱- اثربخشی تعامل بخش خصوصی در موفقیت بنگاه
۰/۸۹۷	۴/۵۱	۵	۱	۳۶۶	۲۳- هزینه تحمیل شده با توجه به نوسانات اقتصادی
۰/۷۹۸	۴/۱	۵	۱	۳۶۶	۲۵- رضایت از نیروهای به کار گرفته شده
۰/۸۵۶	۲/۳۵	۵	۱	۳۶۶	۲۶- توصیه تاسیس بنگاه زودبازده
۰/۷۹۲	۲/۷۹	۵	۱	۳۶۶	۲۷- احتمال موفقیت در ادامه مسیر و تکمیل طرح
۰/۸۶۱	۲/۶۶	۵	۱	۳۶۶	۲۸- احتمال تعطیلی و یا تغییر نوع فعالیت
۰/۸۹۹	۱/۹۸	۵	۱	۳۶۶	۲۹- موفقیت بنگاه از نظر مالی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

جدول (۱) نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به سوال ۲۳ (هزینه تحمیل شده با توجه به نوسانات اقتصادی) با میانگین ۴/۵۱ و کمترین میانگین مربوط به سوال ۱۹ (اثربخشی و کمک کننده بودن تعامل نهادهای ذیربط با در جهت فعالیت) با میانگین ۱/۸۷ می‌باشد. همچنین بیشترین انحراف معیار سوال ۲۱ (۱/۰۹۴) و کمترین انحراف معیار مربوط به سوال ۲۵ (۰/۷۹۸) می‌باشد.

### تحلیل استنباطی داده‌ها

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون  $x^2$  و تحلیل

واریانس یک طرفه استفاده و نتایج آن در جداول زیر آورده شده است.

جدول (۲) آماره‌های توصیفی تعداد شاغلان بر حسب فعالیت بنگاه‌ها

کل	فعالیت				تعداد شاغلان	متغیرها
	خدماتی	صنعتی	کشاورزی	علم و فناوری		
۶۱	۴۱	۳	۱۷	۰	یک نفر	تعداد نیروی شاغل
۱۴۷	۹۸	۱۲	۳۴	۳	دو نفر	
۵۹	۳۵	۹	۱۰	۵	سه نفر	
۵۳	۲۴	۱۸	۲	۹	چهار نفر	
۱۵	۹	۴	۱	۱	پنج نفر	
۱۹	۱۰	۶	۱	۲	شش نفر	
۴	۱	۱	۰	۲	هفت نفر	
۸	۱	۴	۱	۲	هشت نفر و بیشتر	
۳۶۶	۲۱۹	۵۷	۶۶	۲۴	کل	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

جدول (۲) نشان می‌دهد که تعداد شاغلان در بخش خدماتی (۲۱۹ نفر) بیشتر از سایر فعالیت‌ها و سپس تعداد شاغلان در بخش کشاورزی (۵۷ نفر) بیشتر از بخش‌های صنعتی و علم و فناوری است و تعداد شاغلان بخش صنعتی (۶۶ نفر) بیشتر از بخش علم و فناوری (۲۴ نفر) می‌باشد.

جدول (۳) آماره‌های توصیفی تعداد شاغلان بر حسب سطح سواد صاحبان بنگاه‌ها

کل	سطح سواد صاحبان بنگاه‌ها					تعداد شاغلین	متغیرها
	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان تا دیپلم	فوق دیپلم تا لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر		
۶۱	۱۹	۷	۲۹	۵	۱	یک نفر	تعداد نیروی شاغل
۱۴۷	۱۵	۲۹	۶۹	۲۳	۱۱	دو نفر	
۵۹	۴	۱۷	۱۹	۱۱	۸	سه نفر	
۵۳	۳	۳	۱۶	۲۰	۱۱	چهار نفر	
۱۵	۱	۰	۳	۷	۴	پنج نفر	
۱۹	۰	۰	۳	۱۳	۳	شش نفر	
۴	۰	۰	۲	۲	۰	هفت نفر	
۸	۰	۰	۳	۳	۲	هشت نفر و بیشتر	
۳۶۶	۴۲	۵۶	۱۴۴	۸۴	۴۰	کل	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

نقش بنگاه‌های زودبازده در افزایش تقاضای اشتغال (مطالعه موردی شهرستان اصفهان)

جدول (۳) نشان می‌دهد که تعداد شاغلان بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات دبیرستان تا دیپلم هستند (۱۴۴ نفر) بیشتر از همه و سپس تعداد شاغلان در بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس هستند (۸۴ نفر) بیشترین و تعداد شاغلان در بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات راهنمایی هستند (۵۶ نفر) در مرتبه سوم و تعداد شاغلان در بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند (۴۲ نفر) در مرتبه چهارم و تعداد شاغلان در بنگاه‌هایی که صاحبانش دارای تحصیلات ابتدایی هستند (۴۰ نفر) در مرتبه پنجم قرار دارد. صاحبان بنگاه‌های دارای تحصیلات متفاوت اکثراً بین یک تا چهار نفر را به کار گرفته‌اند.

جدول (۴) آماره‌های توصیفی تعداد شاغلان بر حسب میزان وام دریافتی

کل	میزان وام دریافتی					تعداد شاغلین	متغیرها
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
۶۱	۸	۱۸	۳۰	۴	۱	یک نفر	تعداد نیروی شاغل
۱۴۷	۶	۳۶	۸۰	۲۲	۳	دو نفر	
۵۹	۱	۱۶	۳۲	۹	۱	سه نفر	
۵۲	۲	۱	۲۷	۸	۰	چهار نفر	
۱۵	۱	۳	۸	۳	۰	پنج نفر	
۱۹	۰	۶	۹	۴	۰	شش نفر	
۴	۱	۱	۲	۰	۰	هفت نفر	
۸	۰	۳	۳	۰	۰	هشت نفر و بیشتر	
۳۶۶	۲۱	۹۹	۱۹۱	۵۰	۵	کل	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

جدول (۴) نشان می‌دهد که تعداد شاغلان بنگاه‌هایی که میزان وام متوسطی دریافت کرده‌اند (۱۹۱ نفر) در مرتبه اول و سپس تعداد شاغلان در بنگاه‌هایی که میزان وام کم دریافت کرده‌اند (۹۹ نفر) در مرتبه دوم و تعداد شاغلان در بنگاه‌هایی که میزان وام زیاد دریافت کرده‌اند (۵۰ نفر) در مرتبه سوم و تعداد شاغلان در بنگاه‌هایی که میزان وام خیلی کم دریافت کرده‌اند (۲۱ نفر) در مرتبه چهارم و تعداد شاغلان در بنگاه‌هایی که میزان وام خیلی زیاد دریافت کرده‌اند (۵ نفر) در مرتبه پنجم قرار دارد. صاحبان

بنگاه‌هایی که وام کم، متوسط و زیاد دریافت کرده‌اند اکثراً بین یک تا چهار نفر را به کار گرفته‌اند.

جدول (۵) آماره‌های توصیفی تعداد شاغلین بر حسب کمک‌های نهادهای دولتی و تعداد تکنولوژی بنگاه‌ها

تعداد نیروهای شاغل									متغیرها
کل	۸ نفر و بیشتر	۷ نفر	۶ نفر	۵ نفر	۴ نفر	۳ نفر	۲ نفر	۱ نفر	تعداد شاغلان
۱۲	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱۰	۰	خیلی زیاد
۳۷	۱	۲	۴	۰	۱۰	۵	۱۲	۳	زیاد
۲۹۳	۳	۲	۱۵	۱۴	۴۳	۵۳	۱۲۷	۳۶	متوسط
۲۵۳	۳	۲	۱۲	۱۰	۳۱	۳۷	۱۰۶	۵۲	کم
۱۳۷	۵	۲	۷	۵	۲۲	۲۳	۴۲	۳۱	خیلی کم
۷۳۲	۱۲	۸	۳۸	۳۰	۱۰۷	۱۱۸	۲۹۷	۱۲۲	کل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

جدول (۵) نشان می‌دهد که تعداد شاغلان بنگاه‌هایی که میزان کمک متوسط دریافت کرده و از تکنولوژی متوسط برخوردارند (۲۹۳ نفر) در مرتبه اول و تعداد شاغلان بنگاه‌هایی که میزان کمک کم دریافت کرده‌اند و از تکنولوژی کم نیز برخوردارند (۲۵۳ نفر) در مرتبه دوم و تعداد شاغلان بنگاه‌هایی که کمک خیلی کم دریافت کرده و تکنولوژی خیلی کمی را نیز به کار برده‌اند (۱۳۷ نفر) در مرتبه سوم و تعداد بنگاه‌هایی که میزان کمک دریافتی آن‌ها زیاد و تکنولوژی به کار رفته نیز زیاد است (۳۷ نفر) در مرتبه چهارم و تعداد شاغلان بنگاه‌هایی که میزان کمک خیلی زیاد دریافت و از تکنولوژی بالایی نیز برخوردارند ۱۲ نفر در مرتبه پنجم قرار دارند. صاحبان بنگاه‌هایی که کمک خیلی کم و متوسط دریافت کرده‌اند اکثراً بین یک تا پنج نفر را به کار گرفته‌اند و بیشتر تعداد شاغلان از تکنولوژی معمولی نسبتاً پیشرفته برخوردارند. لازم به ذکر است عدد ۷۳۲ از ادغام دو جدول تعداد تکنولوژی و کمک نهادهای دولتی به دست آمده است و با تقسیم بر ۲ عدد ۳۶۶ نفر به دست می‌آید.

جدول (۶) خلاصه نتایج آزمون  $\chi^2$  پیرسون

ردیف	Sig. (سطح معنی داری)	Df (درجه آزادی)	Value (مقدار بحرانی $\chi^2$ )	خلاصه نتایج آزمون $\chi^2$
۱	۰/۰۰۰۱	۳۳	۱۱۳/۹۵۷	آزمون $\chi^2$ پیرسون تعداد شاغلان و فعالیت بنگاه‌ها
۲	۰/۰۰۰۱	۴۴	۱۴۰/۴۶۱	آزمون $\chi^2$ پیرسون تعداد شاغلان و تکنولوژی‌ها
۳	۰/۰۰۰۱	۴۴	۱۲۳/۴۵۳	آزمون $\chi^2$ پیرسون تعداد شاغلان و سطح سواد
۴	۰/۰۰۰۱	۴۴	۵۹/۴۱۱	آزمون $\chi^2$ پیرسون تعداد شاغلان و میزان وام دریافتی
۵	۰/۰۰۰۱	۳۲	۱۰۱/۴۳۶	آزمون $\chi^2$ پیرسون تعداد شاغلان و میزان حمایت نهادهای دولتی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

ردیف ۱ از جدول (۵) در پاسخ به فرضیه یک نشان می‌دهد که تعداد شاغلان با فعالیت بنگاه‌ها رابطه معناداری در سطح  $p < 0.01$  دارد. به عبارت دیگر تعداد شاغلان تحت تاثیر فعالیت بنگاه‌ها قرار دارد.

ردیف ۲ از جدول (۵) در پاسخ به فرضیه دو نشان می‌دهد که تعداد شاغلان با تکنولوژی بنگاه‌ها رابطه معناداری در سطح  $p < 0.01$  دارد. به عبارت دیگر تعداد شاغلان تحت تاثیر نوع تکنولوژی بنگاه‌ها قرار دارد.

ردیف ۳ از جدول (۵) در پاسخ به فرضیه سه نشان می‌دهد که تعداد شاغلان با سطح سواد صاحبان بنگاه‌ها رابطه معناداری در سطح  $p < 0.01$  دارد. به عبارت دیگر شاغلین در بنگاه‌ها تحت تاثیر سطح سواد صاحبان بنگاه‌ها قرار دارد.

ردیف ۴ از جدول (۵) در پاسخ به فرضیه چهار نشان می‌دهد که تعداد شاغلان با میزان وام دریافتی بنگاه‌ها رابطه معناداری در سطح  $p < 0.05$  دارد. به عبارت دیگر تعداد شاغلان در بنگاه‌ها تحت تاثیر میزان وام دریافتی توسط صاحبان بنگاه‌ها قرار دارد.

ردیف ۵ از جدول (۵) در پاسخ به فرضیه پنج نشان می‌دهد که تعداد شاغلین با میزان کمک نهادهای دولتی رابطه معناداری در سطح  $p < 0.05$  دارد. به عبارت دیگر تعداد شاغلین در بنگاه‌ها تحت تاثیر میزان کمک دریافتی از نهادهای دولتی توسط صاحبان بنگاه‌ها قرار دارد.

## نتیجه‌گیری

در مجموع نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بنگاه‌های کوچک اقتصادی در شهرستان اصفهان نتوانسته است در پاسخگویی به تقاضای نیروی کار موفق باشد. با توجه به فرضیه‌های ارائه شده، تعداد شاغلین در بنگاه‌های کوچک اقتصادی تحت تاثیر نوع فعالیت‌ها، نوع تکنولوژی، سطح سواد و وام دریافتی صاحبان بنگاه‌ها و میزان کمک نهادهای دولتی قرار دارد. براساس نتایج بیان شده، پیشنهاد می‌شود دولت در جهت به کارگیری نیروهای تحصیل کرده در بنگاه‌های اقتصادی اقدام نماید و بین دو نهاد دانشگاه و بنگاه‌های اقتصادی ارتباط و تعاملی سازنده ایجاد شود. همچنین لازم است موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

- حمایت مالی بیشتر دولت در جهت تقویت و توسعه بنگاه‌های زودبازده
  - ایجاد همگرایی بین کمک نهادهای دولتی در جهت تسهیل و توسعه بنگاه‌های زودبازده
  - استخدام در بازار کار باید هدفمند باشد به این معنی که هر بنگاه اقتصادی که یک فارغ التحصیل را به کار می‌گیرد باید از ابتدا بداند که چه نیازی به او دارد.
  - بنگاه‌های اقتصادی باید در هنگام استخدام سهم نیروی کار را در افزایش سود و ارزش افزوده شرکت برای خود تعریف نمایند.
  - اعطای مدرک معتبر در مقابل کار تحقیقاتی دانشجویان و متخصصان جامعه در بنگاه‌های اقتصادی.
- تقویت واحدهای تحقیق و توسعه به طور جدی و تشویق بنگاه‌های اقتصادی به ایجاد و توسعه این واحدها به دور از هرگونه تشریفات و ظاهر سازی به طوری که صاحبان بنگاه‌های اقتصادی به این واقعیت ملموس دست پیدا کنند که توسعه بنگاه‌های اقتصادی و دستیابی به دانش فنی روز آن در گرو اهمیت دادن به تحقیقات در بنگاه‌های اقتصادی می‌باشد.

## منابع فارسی

- تحصیلی، حسن (۱۳۷۱) بررسی نقش صنایع کوچک شهری استان خراسان در ایجاد اشتغال و توزیع درآمد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران.
- تفصلی، فریدون (۱۳۵۵) *تاریخ عقاید اقتصادی*، (جلد ۱ و ۲)، تهران: نشرنی.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸) *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، (ترجمه غلامعلی فرجادی)، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.
- جولی، ریچارد، امانوئل دوکات، هانس سنیگر، فیونا ویلسون، (۱۳۶۸) *اشتغال در جهان سوم: مسائل و استراتژی*، (ترجمه احمد خزاعی)، تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- خزائی، احمد (۱۳۶۴) *منابع تولیدی و اشتغال صنعتی*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، (چاپ اول)
- خزائی، احمد (۱۳۶۳) *ویژگی‌های اشتغال صنعتی در ایران ۵۵-۱۳۴۵*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، (چاپ اول)
- رابینسون، جون (۱۳۵۳) *مقدمه‌ای بر نظریه اشتغال* (ترجمه احمد شهشهانی)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- روزبهان، محمود (۱۳۷۸) *مبانی توسعه اقتصادی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سازمان صنایع استان مرکزی (۱۳۸۱) *جایگاه صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور*. سازمان صنایع استان مرکزی.
- سازمان صنایع کوچک ایران (۱۳۶۰) *استقلال صنعتی کشور: مدیریت برنامه‌ریزی و خدمات صنعتی*، سازمان صنایع کوچک ایران.
- شریف‌النبی، مرتضی (۱۳۷۵) *چرخه توسعه*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شوماخر، ای. اف. (۱۳۷۲) *کوچک زیباست*، (ترجمه ع.رامین) تهران: انتشارات سروش.

- کینز، جان مینارد (۱۳۴۸) *نظریه عمومی اشتغال، بهره پول*، (ترجمه منوچهر فرهنگ)، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۶) *بررسی تحولات صنعتی، تکنولوژیک کشور در سال‌های ۷۲-۱۳۲۷*. تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- وزارت صنایع (۱۳۷۶) *هشت سال تلاش صنعت، تهران: وزارت صنایع و معادن*.
- طالبی، کامبیز (۱۳۷۶) *بررسی مدل‌های همکاری صنعتی - تولیدی بین صنایع کوچک و صنایع بزرگ*. مجله تدبیر، شماره ۷۴، صص ۹۶-۶۲.
- گزارش جمهور (۱۳۸۷) *وزارت کار و امور اجتماعی در دولت نهم "رویکردها و دستاوردها" با تاکید بر اشتغالزایی*، تهران، شماره ۴۴.
- نبی‌زاده، حمیدرضا (۱۳۷۹) *جایگاه صنایع کوچک در توسعه صنعتی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۲) *صنایع کوچک و متوسط و نقش آن در توسعه صنعتی*، طرح مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور.
- وزارت صنایع (۱۳۷۶) *توسعه منطقه‌ای و صنایع کوچک (استان همدان)*. تهران: وزارت صنایع
- هدایی، رضا (۱۳۴۹) *نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی ایران*. پایان نامه دکتری اقتصاد، دانشگاه تهران.

Hayashi, Mistuhiro (2004). "Development of SMEs in the Indonesian Economy." Online available at:

<http://www.crawford.anu.edu.au/acde/publications/publish/papers/wp2003/wp-econ-2003-01.pdf>

Smallbone, D. & North, D. (1997) "Employment Generation in Manufacturing SMEs in Contrasting External Conditions." Online available at: <http://www.sbaer.uca.edu/research/icsb/1997/83.pdf>